

«دسته دختران» در سینماهای کشور

فیلم سینمایی «دسته دختران» به کارگردانی منیر قیدی و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصور، از ۳۰ فروردین‌ماه و با شعار «این رزم را با زن سروین عاشقانه است» اکران رسمی خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کرد. این فیلم داستان گروهی از زنان ایرانی است که برای دفاع از خاکشان، با اسلحه به خط مقدم جنگ می‌زنند. «دسته دختران» دومین ساخته سینمایی منیر قیدی پس از «ویلیاها» است. نیکو کریمی، پانته‌آ پناهی‌ها، فرشته حسینی، هدی زین‌العابدین و صدف عسگری ترکیب دسته دختران آن را تشکیل می‌دهند. این فیلم سخت و زنانه نامزد دریافت ۷ سیمرغ بلورین از چهارمین جشنواره فیلم فجر شده بود.



سایه روشن زندگی جهادی سردار حجازی



شهید سیدمحمد حجازی

۲ سال از شهادت سردار شهید سیدمحمد حجازی می‌گذرد. در نخستین سالگرد شهادت این فرمانده از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس اعلام شد که براساس یکی از مأموریت‌های این مرکز که معرفی و تبیین ابعاد شخصیتی رزمندگان و شهدای شاخص است، پروژه تدوین زندگی‌نامه سردار سرلشکر شهید سیدمحمد حجازی؛ جانشین نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - که نقش ماندگاری در ۸ سال دفاع‌مقدس و بعدازآن در عرصه خدمت‌رسانی به انقلاب داشتند - را در دستور کار خود قرار داده است. شهید حجازی را در لبنان به‌عنوان «پدر موشکی» می‌شناسند.

پای صحبت‌های همسر شهید جامعه کارگری، عبدالحسین برونسی

کارگری که سردار شد

چه در روزهای جنگ تحمیلی و چه در سال‌های خفقان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کارگران نقش مهمی ایفا کردند. گرچه در آمد چندانی نداشتند و حتی نان شب و زندگی آنها وابسته به درآمد روزانه‌شان بود اما وقتی صحبت از دفاع از دین و میهن شد، مردانه ایستادگی کردند. از همان روزهای نخست حمله رژیم بعث عراق به ایران، دسته دسته به جبهه‌ها اعزام شدند و سنگرها را پر کردند و عده زیادی هم در این راه به شهادت رسیدند. یکی از شهدای شاخص جامعه کارگری شهید عبدالحسین برونسی است: روستازاده‌ای عارف مسلک که نامش در شمار شجاع‌ترین فرماندهان دفاع‌مقدس قرار دارد. اوستا بنای کم‌سوادی که به فرموده مقام معظم رهبری به اوج رسید و نخبه شد.



شهید برونسی نفر سمت راست



شهید برونسی نفر سمت راست

توصیه رهبر درباره یک کارگر

زندگی و خطراتی از شهید برونسی، به روایت هم‌زمان و خانواده شهید در کتاب «خاک‌های نرم کوشک» اثر سعید عاکف جمع‌آوری شده و توسط انتشارات ملک اعظم در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. این کتاب بارها در ایران تجدید چاپ شده و تاکنون به زبان‌های انگلیسی، عربی و اردو نیز ترجمه شده است. رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۸۵ در جمع فیلمسازان و کارگردانان سینما و تلویزیون درباره شخصیت شهید برونسی فرمودند: «این اوستا عبدالحسین برونسی، یک جوان مشهدی بنا که قبیل از انقلاب یک بنا بود و با بنده هم مرتبط بود، شرح حالش را نوشته‌اند و من توصیه می‌کنم و واقعا دوست می‌دارم شماها بخوانید من می‌ترسم این کتابها اصلا دست شماها نرسد اسم این کتاب «خاک‌های نرم کوشک» است؛ قشنگ هم نوشته شده»



فرمانده گردان خط‌شکن

شهید برونسی، سال ۱۳۲۱ در روستایی از توابع شهرستان تربت حیدریه متولد شد. با شروع مبارزات انقلاب او که رنج و محرومیت را در روستا تجربه کرده بود، به یکی از افراد مورد اطمینان روحانی انقلابی و مبارز آیت‌الله خامنه‌ای تبدیل شد. در درس‌های ایشان شرکت کرد و درس طلبگی را فراگرفت. عبدالحسین برونسی، چندین بار از سوی ساواک دستگیر و شکنجه شد و بارها خانه‌اش مورد هجوم و بازرسی مأموران ساواک قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب به‌صورت افتخاری به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست. با آغاز درگیری‌های کردستان به‌پاوه رفت و با شروع جنگ تحمیلی در شمار نخستین کسانی بود که خود را به جبهه‌های نبرد رساند. او در عملیات فتح‌المبین به‌عنوان فرمانده گردان خط‌شکن، مرکز فرماندهی عراقی‌ها را منهدم کرد و از ناحیه کمر مجروح شد. برونسی از ناحیه دست، گردن و شکم جراحات سختی را متحمل شد اما بارها، عزمش برای رفتن به جبهه محکم‌تر می‌شد. او در عملیات متعددی از جمله بیت‌المقدس، رمضان، مسلم ابن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر یک و به‌عنوان فرمانده گردان خط‌شکن حضور داشت. با شروع عملیات‌های والفجر ۳ و ۴ به‌عنوان معاونت تیپ ۱۸ جوادالائمه (ع) در تمامی مراحل عملیات شرکت داشت و گردان‌های خط‌شکن را رهبری می‌کرد و در عملیات‌های خیبر، میمک و بدر نیز به‌عنوان فرمانده تیپ ۱۸ جوادالائمه (ع) حضور داشت.

بنایی می‌کرد و روزی حلال می‌آورد

معصومه سبک‌خیز، همسر شهید از برونسی می‌گوید: «همسر به روزی حلال خیلی حساس بود. اوایل ازدواج مان وقتی کشاورز بود بحث تقسیم اراضی بین کشاورزان پیش آمد. قبول نکرد و با آنکه در شرایط مالی بدی بودیم، حتی گندم و آرد آن زمین‌ها را قبول نکرد و گفت، باید روزی حلال به خانواده‌ام بدهم. برای پیدا کردن کار به مشهد آمدم. اول در یک سبزی‌فروشی کار کرد، اما گفت در این مغازه، سبزی‌ها را در آب می‌زنند تا وزنش سنگین‌تر شود. از آنجا رفت در یک لبنیاتی کار کرد، اما از آنجا هم درآمد. یک روز صبح بیل و مترش را برداشت و رفت سرگذر. آخر شب آمد و برای فرزندمان ابوالحسن که ۷ ماهه بود و برای من کلی خرید کرده بود. همسر گفت: «از صبح تا الان کار کردم و عرق ریختم و این روزی حلال است. بخورید و نوش جانان». از فرادرفت سر همان کار بنایی و صاحبکار از همسر بسیار راضی بود و تا مدت‌ها نگرش داشت تا برایش کار کند. بعدها معمار شد و خانه‌های زیادی در منطقه چهنو ساخت و انقلاب که شد بعد از ماجراهای مختلف به سپاه رفت، ولی ۲ سال اول حقوقی نداشت. او ظهرها تا آخر شب بنایی می‌کرد تا هزینه‌های زندگی را تأمین کند.

راز سر به مهر آبراهن ورزشی

چندی پیش از آغاز دربی ۱۰ پیراهن‌های ۲ شهید گمنام که پیش‌تر تفحص شده‌اند در ورزشگاه آزادی گلباران شد. پیراهن شماره ۱۳ در آن دوران، برای محمد مایلی‌کهن و پیراهن شماره ۵ به شاهین بیانی تعلق داشت که هر دو از پیشکسوتان استقلال و پرسپولیس بوده‌اند. در ماه‌های اخیر در جریان تحقیق و تفحص پیکر شهدای دفاع‌مقدس در منطقه شلمچه و محدوده دیواره دفاعی کانال ماهی در داخل خاک عراق، به همراه پیکر یکی از شهدای گمنام یک پیراهن ورزشی باشگاه استقلال پیدا شد. همچنین دو ماه پس از کشف این پیراهن، پیراهنی از باشگاه پرسپولیس نیز در کنار پیکر شهید گمنام دیگری یافت شد.

پول حج را به سپاه برگرداند

شهید برونسی به دلیل دل‌آوری‌هایش به سفر روحانی حج مشرف شد اما هزینه‌های او را که توسط سپاه برای اعزامش خرج شده بود به سپاه برگرداند. حجت‌الاسلام رضایی از هم‌زمان شهید در این باره می‌گوید: «این خاطره مربوط به سال ۱۳۶۲ و یک سال پیش از شهادت شهید عبدالحسین برونسی است. سفر حج تشویقی بود از طرف امام خمینی (ره) به دلیل رشادت در عملیات‌ها و جبهه. شهید برونسی معتقد بود باید

پول بیت‌المال را بپردازد و به همین علت پول سفر را بعد از بازگشت از حج، با فروش تلویزیونی که از مکه آورده بود پرداخت. در همین سفر یکی از دوستانش در خاطراتش از سفر حج می‌گوید: «در سفر حج دیدم چندین کفن خریده است. پرسیدم این همه کفن را برای چه کسانی خریده‌ای؟ او هم یکی یکی اسم برد اما اسم خودش را نگفت. گفت: «پس برای خودت چی حاجی؟» گفت: «مگر من می‌خواهم

به مرگ طبیعی بمیرم که برای خودم کفن بخرم؟ لباس رزم من کفن من است.» همین‌طور هم شد. او ۲۳ اسفند ۱۳۶۳ در هورا العظیم بابل با لباس رزم در حالی که فرم مانده تیپ ۱۸ جوادالائمه (ع) را بر عهده داشت، شهید شد و پیکرش ۲۷ سال بعد تفحص شد و به وطن برگشت. شهید برونسی، عارف مسلک بوده و با خوابی که دیده بود شهادت خود را پیش‌بینی کرده بود.